

آخوند فاسد جمهوری  
اسلامی: زنان فقط  
برای لذت بردن مردان  
خلق شده اند!

# پی‌داری

ماهنامه ی شماره ی ۱۶۳ کانون خردمداری ایرانیان  
سال ۲۵ - مهر ماه ۲۵۸۵ ایرانی - ۱۴۰۵ عربی

آخوند طالبان:  
در شریعت الهی  
عقل جایی ندارد

**مبارزان سیاسی** که در سال گذشته گل سرسبد مبارزات بودید  
و پرچم شیر و خورشید را در جابه جای جهان هر روز برافراشتید،  
**اجازه ندهید هم میهنان شما**، از رخداد های زود گذر سیاسی  
و تلاش منفی بافان و مدعیان بی برنامه  
**دل سرد و نا امید گردند.**  
**خواست قلبی مخالفان شما**، و رسانه های بی بی سی و صدای آمریکا  
**سکوت شماست.**

برافراشته نگهداشتن پرچم شیر و خورشید برای سرنگون کردن رژیم و تحمل  
مردم از سختی ها و اعدام های دیوانه وار و گرانی طاقت فرسا برای همه ایرانیان  
با هر باوری بی اندازه با اهمیت و موثر می باشد. این مبارزه نه چندان آسان را  
هم شما به سهم خود متوقف نکنید تا به امید درایت و دلاوری هم میهنان درون  
ایران، رژیم از هر سو به بن بست رسیده را سرنگون کنیم.

**قرآن از انسان در روی زمین قاتل می سازد.**

مرتضا میرآفتابی

کوروش سلیمانی

**تلمود، کتابی با قوانین ضد و نقیض یهودی**

تلمود مجموعه ای از اصول و قانون های دین یهودیت است که بعد از تورات  
نوشته شده و شامل بحث ها و تفسیرها و دیدگاه های دانشمندان این دین  
درباره اخلاق، عبادت و زندگی روزمره می باشد.  
این کتاب چون توسط حاخام های گوناگون طی سال های مانده در رویه ۳

به یاد دکتر مرتضا میرآفتابی، مبارزی دلیر و بی پروا  
دکتر میرآفتابی نوشته ای دارد که چنین آغاز می شود: «خانه های جدید  
عفاف در مشهد!» «این نوشته را باید قاب کرد و در کنار «شعارهای» الله  
و محمد و علی و حسن و حسین سر بخاری گذاشت و مانده در رویه ۲

## قرآن از انسان در روی زمین قاتل می سازد

مانده از رویه نخست

بعد هم توی بخاری انداخت!»

«در مشهد» آشپزخانه حضرتی داشتیم، این هم جنده خانه ی حضرتی: اعلامیه آیت اله علم الهدی:

بسم الله الرحمن الرحيم. آستان قدس رضوی جهت ارتقاء فضای معنوی جامعه و ایجاد شرایط مناسب روحی و آرامش خیال برای برادران زائری که در مدت زیارت حرم امام هشتم از همسر خود دور می باشند اقدام به برگزاری مرکز صیغه های کوتاه مدت در جوار حرم رضوی نموده است. در این راستا از کلیه خواهران باکره مومنه که سن آن ها بین ۱۲ تا ۳۵ سال است دعوت به همکاری می نماید. هر یک از خواهران براساس قرارداد ۲ ساله ای که با آستان قدس رضوی منعقد می نمایند موظفند که ماهانه حداقل ۲۵ روز به صیغه برادران زوار درآیند. مدت قرارداد جزو سابقه اشتغال متقاضی محسوب می گردد. مدت هر صیغه از ۵ ساعت تا ۹ روز متغیر می باشد.

مبلغ پرداختی بابت هر صیغه به شرح زیر می باشد:

صیغه های ۵ ساعت ۵۰/۰۰۰ هزار تومان. یک روزه ۷۵/۰۰۰، ۲ روزه ۱۰۰/۰۰۰، ۳ روزه ۱۵۰/۰۰۰ و از ۴ روز تا ۱۰ روز ۳۰۰/۰۰۰ تومان. خواهران باکره که برای نخستین بار صیغه می شوند مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ تومان اضافه بابت برداشته شدن پرده بکارت دریافت خواهند نمود.

پس از انقضای قرارداد دوساله در صورتی که سن خواهران به حد نصاب ۳۵ سال نرسیده باشد در صورت تمایل می توانند در لیست انتظار صیغه های دایم قرار بگیرند.

خواهران موظفند ۵ درصد از مبلغ دریافتی هر صیغه را به ضریح مطهر امام واریز نمایند. از کلیه خواهران علاقمند درخواست می شود ۲ قطعه عکس تمام قد با حجاب اسلامی، آخرین مدرک تحصیلی، وضعیت بکارت و گواهی سلامت کامل روانی و جسمانی از سازمان بهداشت شهرستان محل سکونت خود را حداکثر تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۹ به آدرس زیر ارسال نمایند. ضمناً برای خواهران کمتر از ۱۶ سال رضایت رسمی پدر یا جد پدری یا عمو الزامی است.

**امید بستن به خدای کور و کر و**

**بی خانواده و بی جا و مکان با سابقه**

**سیاه هزاران ساله از سر کم عقلی است.**

مشهد- بارگاه امام رضا- خیابان شهید نواب صفوی- صحن کوثر- دفتر امور صیغه.

جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۰۰۹۸۵۱۱۲۲۲۵۷۹۰ حاج آقا محمود ممتاز تماس حاصل فرمایید. برای دریافت فرم های مربوطه به سایت آستان قدس رضوی و یا به نشریه آستان قدس مراجعه نمایید.

دکتر مرتضا میرآفتابی پس از انتشار نامه بالا در ماهنامه سیمرغ اضافه کرده است: حاج آقا محمود ممتاز یکی از جاهل های به نام، درگذشته بود که فاطمه اره، شهلا... رقیه ی... روسپی های مشهور زیر نفوذ او بودند که پس از انقلاب اسلامی کارش را به دور حرم به درخواست آیت اله علم الهدی همه کاره امام رضا گسترش داد، یک سفر هم با رفقا و روسپی ها به مکه رفتند تا حاجی و حاجیه شوند.

حاج محمود پیش از انقلاب یکی از لات و لوت ها و جاکش های مشهور بود.

روانشاد دکتر مرتضا میرآفتابی در پایان نوشته اش، می نویسد: حکومت اسلامی ایران را به فاحشه خانه، سپس شیره کش خانه و گداخانه تبدیل خواهد کرد. که متأسفانه امروز به چنین جایی رسیده ایم، اعتیاد بیداد می کند، فحشا به بانوان متاهل رسیده و اکثریتی به نان شب محتاج گشته اند. روان دکتر مرتضا میرآفتابی شاد.

**یهودی ستیز فراوان داریم، بهایی ستیز بسیار داریم، مسیحی ستیزی کار مسلمان هاست، سنتی ستیزان همه شیعه هستند. آن وقت که به شیعه ستیزی می رسیم می گویند: دین ستیز نباشید؟ ای بابا!**

**اگر در کار خدا اشکال فراوان می بینید چون خدا آفریده انسانی است که خودش اشکال فراوان دارد. اگر کارهای خدا غیر منطقی است هم، چون خدا آفریده مغزهای معیوب و غیر منطقی خود ماست.**

**علی سجادی**

## تلمود، کتابی با قوانین ضد و نقیض یهودی

مانده از رویه ی نخست

طولانی به رشته تحریر درآمده، شامل دیدگاه ها و تفاسیر متفاوت بوده وگاهی مطالب ضد و نقیض در آن، یهودی ها را سر درگم می کند! و دیگر این که، این کتاب در سال های بسیار دور، حدود ۱۸۰۰ سال قبل نوشته شده و بسیاری از قوانین آن با شرایط امروز هم خوانی ندارد. تلمود شامل دو بخش است:

۱- میشنا، که قوانین شفاهی یهود است.

۲- گمارا، که شرح و تفسیر و گفتگو درباره میشنا است.

توضیح این که، به برکت میشنا نوشته های تورات در طول سال ها مورد بحث و تفسیر و تحلیل قرار گرفته و بسیاری دریافته اند که بسیاری از موارد آن با عقل سلیم جور در نمی آید و این موضوع موجب تحقیق و بررسی و اندیشه بیشتری از روشنفکران یهودی قرار گرفته و موجب به وجود آمدن و رونق علم فلسفه شده است. به همین جهت بسیاری از دانشمندان و فیلسوف های نامدار جهان یهودی هستند و می بینیم دین هایی که راه پرسش و بحث و گفتگو را بسته اند چیزی جز عقب ماندگی و مشکلات بیشتر برای پیروان خود به بار نیاورده اند.

از نکات برجسته در تلمود راجع به حقوق کارگر است که کارفرما بلافاصله پس از پایان کار باید حقوق کارگر را بپردازد. یا از وظایف مهم برای مرد یهودی احترام گذاشتن به زن، جلب رضایت و برقراری وسیله آسایش اوست. و از نکات منفی در تلمود قانون ارث و میراث در مورد زن و فرزند بسیار ناعادلانه نگاشته شده. جالب است بدانید، برای نوشتن این مطلب از هوش مصنوعی بهره بردم و دنبال نکات منفی دیگری بودم که خودم در کتاب تلمود خوانده بودم ولی در نوشته های هوش مصنوعی آن نکات حذف شده بود! برای مثال در هوش مصنوعی به نکته های مثبت عدالت و مساوات در مورد یهودی و غیر یهودی اشاره می کند که موجب افتخار است ولی در خود کتاب که خوب آن را به یاد دارم، قاضی یهود می بایست رای خود را به نفع شخص یهودی بدهد!

بیشتر قوانین مذهبی و حقوقی در اسلام از آیین یهود کپی شده است و شرایط محکمه های جمهوری اسلامی دست کمی از قوانین تلمود ندارد. برای مثال یک مسلمان، یک یهودی و غیر مسلمان را بکشد حکم قصاص در مورد او اجرا نمی شود و قاضی اسلام موظف است که رای به سود فرد مسلمان بدهد، و این رای می تواند از تلمود گرفته شده باشد.

## دکتر احمد ایرانی

■ قلم در دست انسان هایی بزرگ، از شمشیر تیزتر است. ریشیلیو

■ مرا مردمانی در سرزمین های جهان می شناسند که هرگز نام عیسی مسیح را ننشیده اند. چارلی چاپلین

■ یک انگلیسی هرکاری را به خاطر اصولی انجام می دهد، به خاطر اصول میهن پرستی می جنگد، به خاطر اصول تجارت غارت می کند، به خاطر اصول امپراتوری به بردگی می کشاند.

جورج برنارد شاو - شاعر انگلیسی!

■ انسان دلیری که وظیفه خود را انجام نمی دهد، برتری چندانی بر فرد ترسو که به هنگام نیاز کشورش کاری انجام نمی دهد ندارد. اندرو جکسن

■ یک آمریکایی به خاطر دفاع از دموکراسی از این سوی اقیانوس به آن سوی آن می رود، اما برای شرکت در انتخابات ملی حاضر نیست از این سوی خیابان به آن سوی خیابان برود. ؟

■ آمریکا بهترین نمونه کشور نیمه باسواد در جهان است. نیکولا باتلر

■ آزادی دینی به معنای این است که هر فردی حق دارد به هیچ مذهبی معتقد نباشد. جیمز مدیسن

## انسان باید به عنوان انسان دارای حق باشد

### بیژن خلیلی - ایران شهر

دفاع از حقوق بهائیان، برای من یهودی دفاع از یک گروه «بیگانه» نیست، دفاع از همان اصلی است که حقوق خود من و همه شهروندان ایران را تضمین می کند. انسان باید به عنوان انسان دارای حق باشد. اگر امروز بهائی از دانشگاه محروم شود و ما سکوت کنیم، فردا ممکن است حکومت دیگری با استدلال دیگر، همین منطق را درباره یهودی، مسیحی، زرتشتی، سنی، یا حتی گروهی از مسلمانان شیعه به کار ببرد. حقوق بشر زمانی معنا دارد که برای مخالف، اقلیت و حتی کسی که با او موافق نیستیم نیز معتبر باشد. به همین دلیل مسئله فقط بهائیان نیستند.

مسئله این است که آیا در ایران آینده شهروند بودن به تنهایی برای برخورداری از حقوق شهروندی، کافی خواهد بود یا نه. ایران آزاد و دموکراتیک نمی تواند دانشگاهی داشته باشد که در آن براساس مذهب، دانشجو، باز یا بسته شود. دانشگاه باید محل رقابت اندیشه ها باشد، نه محل اجرای تبعیض های مذهبی. هیچ حکومت دموکراتیکی حق ندارد به یک جوان بگوید: تو به اندازه کافی باهوش، پر تلاش یا شایسته هستی، اما چون به دین خاصی تعلق داری حق تحصیل نداری.

بیداری در راستای وظیفه انسانی خود همواره از این اقلیت رنج دیده نوشته است و تا زمانی که دین شان به کسی آزار نرساند از آن ها پشتیبانی می کند.

## درودی به مادر

مادرم چیزی از روانشناسی نمی دانست، او دکترای آرامش داشت. مادرم می گفت آشپزخانه مرکز برکت طبیعت است، به آشپزخانه با لبخند وارد شوید، آنجا برنج هست، گندم هست، آرد هست که همه برکت طبیعت هستند. طبیعت را تمیز نگه ندارید، برکت از زندگی شما خواهد رفت. مادر هر وعده پیمانه آرد یا برنج را به نام طبیعت زاینده می شمرد و یاد می کرد و با سپاس از آب و خاک و هوا (اکسیژن) غذا را بار می گذاشت.

مادر می گفت، زنی که از آشپزخانه اش بوی غذا می آید از ته قلب به زندگی و فرزندان دل بسته است. او می گفت همیشه یک پیمانه بیشتر بپزیم به امید از راه رسیدن مهمانی سر زده!

مادر حتی برای انارها و سیب های گوشه آشپزخانه نجوا می کرد. مادر گاهی از مرغ و خروس های خانه اش هم عذرخواهی می کرد که آب و دانه شان را گاهی به موقع نداده است. و موقعی که خمیرها را به دیواره تنور می چسباند، تنور گرم را سوگند می داد تا نانش برکت هر خانه، شفای هر بیمار و مزه دهان هر گرسنه ای باشد. حتی درختان حیاط و باغ را هم با اسم صدا می کرد، مثلاً انجیر خانم، سیب خوشگله، نازبانو هلو...

حتی هنگامی که از فرط خستگی عرق می ریخت باز هم به آرامی پدر را صدا می زد و می گفت: آقا چای تازه دم بیاورم. مادر می گفت مریضی و ناراحتی بخشی از نعمت طبیعت است تا خوشی ها را از یاد نبریم و به خود غره نشویم. مادر چیزی از روان شناسی نمی دانست، او فقط یک زن ساده بود که دکترای آرامش داشت. با چندین زبان که مهربانی بود همه را آرام می کرد. مادر بهترین موجود طبیعت، گرانقدرترین جواهر جهان و عزیزترین پناهگاه انسان هاست.

## ای کاش قانونی وجود داشت که در همه ی دنیا مادرها رهبر می شدند

چون مادرها حواسشان به همه چیز هست. به بچه ها، بزرگترها، کوچک ترها، مهمانها، همسایه ها، رسم و رسوم، عیدها، عیدی ها، ماهیانه ی رفتگر، حتی دخل و خرج تا آخر ماه! ای کاش یک قانونی وجود داشت که در کل دنیا مادرها رهبر شوند... مادرها که رهبر باشند، آب در دل کسی تکان نمی خورد! مادرها نمی گذارند دلی بگیرد... اگر بگیرد هم نازکشی می کنند که زود رفع و رجوع شود!

مادرها، از سهم خودشان می گذرند، که کسی گرسنه نماند، گرسنه ن خوابد. مادرها مثل نخ تسبیح اند. همه را به هم وصل می کنند. خوابشان از همه دیرتر است، بیداریشان از همه زودتر. مادرها از دعوا، خون و جنگ و مرگ بیزارند... اگر یک قانونی بود که مادرها در کل دنیا رهبر بودند، نمی گذاشتند خون از دماغ کسی بیاید...

بالاخر مادر می فهمد داغ چیست؟ بچه ای یتیم شود یعنی چه؟ کشته شود یعنی چه؟ رهبرها که مادر باشند، پولی کنار می گذارند، برای جهیزیه ی دخترها دامادی پسرها، نوکردن اثاث و پرده ها. نمی گذارند حیف شود و برود پای هله هوله؟ تیر و ترقه؟ مادرها دنبال خوبی هستند... دنبال پاکی... شادی... مصاحبه های خبریشان برای امر خیر است قراری اگر بگذارند برای امر خیر است. بندی اگر ببندد برای رخت هاست. آتشی به پاکند برای آتش است. نه جنگ! آشی بپزد بهانه است برای دورهمی. چیزی ببافند از فکر بلندشان است. برای روزهای سرد. از رهبری مادرهاست که گلدانها شادابند، شیشه ها براق، خانه بوی زندگی میدهد. نه بوی دعوا همه چیز سر جای خودش است...

اگر قانون دنیا این بود که مادرها رهبر باشند، کل دنیا گل دار میشد قانون ها عوض می شدند از ایالت همسایه زردچوبه قرض می گرفتند. تعارفی برای کشور بغلی کوفته می بردند، به هم دلداری می دادند پیراهن های رنگی تابستانه می بردند تا فلان قاره از عزا دریابید. زنگ می زدند به فلان خطه که ببینند چرا چند روز است صدای بچه هایشان نمی آید؟ دنیا پر از قاب های عکس بود پر از عطر شمعدانی قهرشان قهر نبود آشتی شان همیشگی بود اگه مادرها درهمه جا همه کاره بودند دنیا چقدر فرق می کرد و زیبا می شد...

آخوند اعرافی مدیر حوزه علمیه

## دعا کنید!

عدم حضور رهبر معظم سید مجتبی خامنه ای در مراسم وداع با پدر گرانقدر، فرضیه غیبت کبری و پیوستن ایشان به امام زمان را تقویت نموده است (مردک شیاد با زبان بی زبانی می خواهد بگوید مجتبا هم مرده ولی جرات گفتن ندارد). و ما در حوزه براین عقیده هستیم که ایشان از بدو رهبری به امام زمان پیوسته و در جوار امام زمان در حال آماده شدن و تهیه و ساخت شمشیر و سپر کافی برای یک ظهور باشکوه هستند. مردم عزیز برای تعجیل در فرج ایشان از دعا و عبادت غفلت نکنید.

## حسن آقا میری

## رهبر دانا

دوازده سال از خاموشی بزرگمرد خرافه ستیز  
زنده یاد دکتر مسعود انصاری گذشت

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۴ قلب مردی از تپش باز ایستاد که تمام عمر در راستای روشننگری و پاره کردن زنجیرهای خرافه از تنها ترین عامل بدبختی و تیره روزی ایرانیان یعنی اسلام نجاست بار کوشید. در ۱۲ سال گذشته بنیاد پژوهش های علمی - فرهنگی دکتر مسعود انصاری در ادامه راه او تلاشی بی وقفه آغاز که تا به امروز ادامه دارد. انتشار کتابهای :

رضا شاه بزرگ، نابغه دوران - شاه و دشمنانش - ایران بدون اسلام - سیاه چهرگان تاریخ در ۹ پوشینه - سپید رویان تاریخ - فرقه تبهکاران اسلامی - آسیب شناسی روانی روح الله خمینی - محور مقاومت روایی که نقش بر آب شد - من ساواک را تبرئه کردم - اگر فردوسی نبود - تور آخرت با ۵۰ دلار - کتاب سبز - برابری پاریسی در گفتگوهای روزمره - خلیات زشت ما ایرانیان و درمان آن - سینما توگرافی در ایران در ۶ پوشینه - قصه های کهن برای بچه های امروزی - کاریکما تورهای روزیه - چگونه دین بازی ما ایرانیان دنیا را در خرافه فرو برد و بهائی ستیزی و دو کتاب در دست چاپ تن فروشی در ایران اسلام زده و اسلام هراسی تمامی در راستای حرکت دکتر مسعود انصاری صورت گرفته است. دکتر روزه آذربزین - برای سفارش کتاب ها:

pyameazadegan@gmail.com

بنیاد پژوهش های علمی - فرهنگی دکتر مسعود انصاری

حسن آقا میری آخوندی است که حدود ۶۰ سال دارد و به خاطر انتقادهای تند و آتشین اش از حاکمان رژیم جمهوری اسلامی سال هاست خلع لباس شده ولی در یکی از مساجد جنوب شهر برای تعداد بسیاری از جوانان حزب الهی و علاقمند به انتقادهایش سخنرانی می کند و تمام سخنرانی هایش در ایراد و انتقاد از کارهای رژیم است. هفته پیش نواری از او در یوتیوب منتشر شد، که موضوع جالبی را مطرح کرده بود. سخنان او را در اینجا می خوانید:

آقا یک کسی در منطقه خاورمیانه داریم به نام سلطان قابوس که حاکم عمان است. پیش از انقلاب ایران کمونیست های عمان بر علیه سلطان قابوس شورش می کنند که اگر شاه ایران به کمکش نمی رفت امکان سقوطش بسیار بود. ارتش ایران شورش کمونیست ها را سرکوب کرد و سران کودتا که سه نفر بودند دستگیر شدند.

سلطان قابوس به جای اعدام سران کودتا به آن ها می گوید برایتان سه تا حکم دارم، یکی این که از کشور بیاندازمتان بیرون، دوم اعدامتان کنم چون شما بر علیه من کودتا کردید باید اعدام شوید. یک راه سوم هم برایتان دارم، اختیار می دهم خودتان یکی از این سه راه را انتخاب کنید، راه سومی که پیشنهاد می کنم این است: بیایید من به شما پست وزارت می دهم تا کشور را درست کنید! مگر شما نمی گوید کشور خراب است و شما بهتر از وزرای فعلی می توانید کشور را درست کنید، خوب بیایید وزیر شوید، مشکلات را برطرف کنید.

کودتاگران راه حل سوم را انتخاب کردند، به این شکل سران کودتا شدند روسا و وزرای دولت، و اتفاقاً کشور را برایش ساختند.

پادشاه عمان از آن نوع آدمهایی است که نمی گذارد کینه برایش تصمیم بگیرد، نگفت این ها چون بر علیه من بودند سواد هم دارند به درک، تخصص هم دارند به درک. گفت این ها یک بدی دارند که دشمن من هستند اما ده ها خوبی دارند، از خوبی هایشان بهره می گیریم... ولی ما در ایران پس از انقلاب با مخالفان خود چکار کردیم، هر چه تولید کننده درجه یک بود به آن ها تهمت زدیم، این ساواکیه، این بهاییه، این یهودیه، تمام اموال طرف را گرفتیم و هنر کرده باشیم (بعضی ها را) اعدام نکردیم ولی از کشور انداختیم شان بیرون، مانند صاحبان صنایع بزرگ، خسروشاهی (مینو) برادران خیامی (ایران ناسیونال) روسای نساجی مازندران، برادران لاجوردی، حبیب اله ثابت، هر کسی که به این کشور خدمت کرده بود یک تهمتی زدیم انداختیم اش بیرون، اموالش را هم مصادره کردیم، اموالش هم هپل هپو شد رفت، اموال هژبر یزدانی چه شد، کی خورد؟ وکی برد؟

**خدا در سه جا وجود دارد.  
قلب ترسوها، زبان شیادها  
و ذهن عقب مانده ها**

**مسلمانان به جای خرد،  
ایمان دارند!  
و به جای وجدان تقوی!  
شهرام آرین**

# Morality Without Religion

by Professor Manouchehr Jamali

The difference between morality and religion is that a moral act can have human value, whether one believes in a religion or not. But morality without religion has no value. If morality is not religious, it is considered invalid. Whereas the value of a moral act comes from itself, not from the religion or belief it rests upon. When religion claims ownership of morality, it limits it and makes itself its exclusive possessor, (and says that I exist and therefore, morality also exists). Morality is bound up with human freedom; it is free will that gives moral acts their value. Our social freedom cannot exist without such moral freedom or liberal thought. A human being without religion can achieve moral results. Freedom without religion will be possible and more powerful and joyful. Man cannot be virtuous without religion—that is what religion says. But in my view, morality is honesty, purity, joy and vitality. One of the major reasons for the lack of moral progress in a nation is precisely this dependence of morality on religion. To remove this dependence and subservience, we must give value solely to the good deed itself, not to belief and faith. Valuing a good act requires not belief or faith. We should not carry the burden of old and false ideas and thus oppress ourselves for centuries and follow what our forefathers have told us for a long time and have given us the wrong guidance. Our duty is not to carry the dead body of old thoughts and ideas. No thought, however small, is too small to awaken our intellectual independence, and it is preferable to the greatest thought that will end up demanding servitude or captivity from us.

## Surah 4-4 (Al Nessa)

4. And give unto the women, (whom ye marry) gift of their marriage portions; but if they of their own accord remit unto you a part thereof, then ye are welcome to absorb it (in your wealth).



occupied land could claim to have established, had a prophetic mission to protect this identity.

And. That is exactly why the national campaign for taking back this genuineness from foreign swordsmen started from the next day after their settlement of the Arabs and did not stop until total independence was achieved and as “Renan” said “even though Iran accepted Islam, it never surrendered to Arabs and their desert culture”.

The Arab swordsmen did not bring anything new from religious point of view. The only thing that changed in the process was that Ahura Mazda was replaced by Allah, Fereshteh's to Angles and Ahriman to Shaitan (satin) and Zoroaster was replaced by Mohammad. What Iranians could rightfully ask from the new faith, other than heaven and myths of paradise, was the justice and equality which were taken away from them by the Sassanid priests. And this theocratic policy of the priests caused the appearance movements like the faith of Mazdak.

But not only that Iranians did not achieve the desired equality and justice but unfortunately lost their superiority of 1,400 years as well.

## Historic Fraud

by Shojauddin Shafa

The undeniable reality in history is that Islam was forced on Iran by the way of the sword, without the Iranians ever looking for it, like the ways it was forced upon the other lands in near east and north Africa and Spain and this is why when the Arabic sword became dull, in Poitiers, France, expansion of Islam came to a halt in Western Europe and when this sword stopped working in Constantinople, the way to Eastern Europe was also closed to it.

This myth that Arabs brought Islamic equality to Iran because it suffered of social inequities and religious discrimination during Sassanid dynasty rule, is another fraudulent toast in history. Although these inequalities really existed and these dissatisfactions were also present in the society, the Arab conquest not only did not end any of these problems, but added many heavier inequities to the existing ones, the most unacceptable of which was rapid discrimination.

A well-known Arab historian describes the historical situation this way: "Arab conquerors considered themselves superior to others and treated Iranians in particular as inferior. They referred to them as Mowlam, meaning 'freed slaves,' and, as an expression of contempt, said that the three things that invalidate Nemaz (prayer) are dogs, donkeys, and Iranians."

If unlike the Spaniards, Iranians finally accepted the faith and religion of the conquered because with the fall of the Empire, there was no basis left for. Zoroasterism, where in Spain, with the fall of Andalusia, the people had a huge backing of Christian in Europe, outside of Spanish borders.

In the credible book of history of Qum, written by a Moslem historian in 4th century hegira, related to this reality, writes that, "the Arabs took the action of destroying all the dams in existence in the great river which caused the drying and destruction of all the farms and fields belonging to the people."

## Surah 33-59 (Al Ahzab)

59. O Prophet! tell thy wives and thy daughters and the women of the believers to draw their cloaks close round them. That will be better, so that they may be recognized and not annoyed. Allah is ever Forgiving, Merciful.

"They were always in fight form with the city dwellers. They would destroy their rivers and dams and the people did not have any way to defend themselves and were forced to give in to their wishes, between the Arabs call for prayers, the farmers of the area would curse them."

"In such conditions, the only way left for Iranians to fight was to modify and color the faith of the Arab rulers like their own national faith and according to Edward Brown "the alterations and changes resulting from acceptance of Islam among the Iranians never penetrated further that skin and never reached the depth." Iranians with new ideas like Shiism and Mysticism, very soon changed this new faith that was forced upon them by Arab swords to something that even though had some similarities to Islam, but its content was very different from what the Arab prophet had in mind.

So, a nation whose existence from 1,400 years before the onslaught of Arabs had combined religion, language and culture and identified with them, which no other of the Arab



## دروغ بزرگی به نام کربلا و حسین شهید

حمله اعراب به ایران و به دست مسلمانان عرب در زمان خلافت ابوبکر در سال ۶۳۳ میلادی یعنی ۱۳۹۰ سال پیش آغاز شد. حمله اعراب در زمان خلافت عمر به اوج خود رسید و در دوره عثمانی ها به سقوط کامل دولت ساسانی منجر شد (۶۵۱ میلادی) حمله اعراب ۱۸ سال با چپاول و کشتار و تجاوزهای گوناگون طول کشید تا اعراب به طور کامل بر ایران مسلط شوند و ۲۵۰ سال طول کشید تا بیشتر ایرانیان مسلمان شوند.

حسین پسر دوم علی، خلیفه چهارم اسلام بود که شیعیان او را امام سوم خود و پدر بقیه امامان شیعه دوازده امامی می شناسند. حسین پسر علی و فاطمه و نوه محمد است که در زمان خلافت پدرش علی در رکاب او و سایر جنگ هایش شرکت می کرد.

پس از مرگ علی معاویه به خلافت رسید، معاویه که فوت کرد پسرش یزید به خلافت رسید. در این موقع که حسین بزرگ شده بود برخلاف برادرش حسن که با معاویه و یزید ساخته بود، سر ناسازگاری بلند کرد و ادعای خلافت داشت و کارش با سپاه یزید به جنگی خونریز در کربلا کشید. در این جنگ حسین بدون لشکر و آمادگی در برابر سپاه مجهز یزید کشته می شود و به ادعای بی سند تاریخی شیعیان

سر حسین در این جنگ از تنش جدا می گردد. در صورتی که نظردها تن از مورخان خارجی درباره یزید چنین نیست و او را مردی نرم خو، دوستدار صلح و توانا در فرمانروایی معرفی کرده اند.

مطهری و شهریار شاعر براین باورند که یزید شاعر بوده و بیت، الا یا ایها الساقی ادرکاساً و ناولها از حافظ متعلق به یزید است! منظور از نوشتن این مقاله برای سر بریده حسین است که پس از کشته شدنش به مجلس یزید آورده می شود، گفته می شود زینب با دیدن سر بریده برادرش حسین یک سخنرانی ماندگار می کند که شیعیان به این سخنرانی افتخار زیادی می کنند.

تاریخ از این لحظه به بعد نمی گوید چه بر سر بی تن حسین و سایر کشته شده ها آمده است، یعنی هیچکس نمی داند و نگفته بر سر این سرها چه آمده است. شایع است لاشه های کشته شدگان همه در کنار رود فرات محل جنگ مانده بود و بسیاری سر نداشتند و پس از چند روز بیشتر بدن ها به دست گرگ ها و کرکس ها و سایر حیوانات وحشی گوشتخوار از هم دریده شده بودند که باقی مانده آن ها توسط کاروانی در کنار هم چال می شوند.

سال ها می گذرد تا سبیلی می آید و زمین آن منطقه را می شوید و همه چیز را از بین می برد، حال پرسش این است اگر امام حسین سرش بریده شده و برای خلیفه به فاصله بسیار فرستاده شده بود اولاً چه کسی جسد

او را شناسایی کرده که حسین است و از دست و دندان حیوانات وحشی سالم مانده بود. پس از آن هم که طبق گفته تاریخ کشاورزان آن منطقه را بارها و بارها شخم زدند و کشاورزی کردند و به کرات هم سیل هر آنچه را در آن محل ها بوده شسته و برده بود. و نشانه ای از قبرها باقی نماند که بتوان جسد بی سر حسین را پیدا کرد، در جای مشخصی دفن کرد و مردم را برای زیارتش به آنجا آورد در جای جای تاریخ اسلام آمده، بنایی را که امروز به نام آرامگاه حسین پسر علی است ایرانی ها ساخته اند و هیچ نشانه ای هم وجود ندارد آیا استخوان کسی در زیر آن ساختمان وجود دارد یا داشته است.

پادشاهان صفوی نقش مهمی در تزئین و زرق و برق به آن بنا داشته اند بدون این که مطمئن باشند در آنجا کسی چال شده است یا نه. پس از صفویه نادرشاه هم به آنجا دلبستگی پیدا می کند و در بازسازی بنا می کوشد. پس از او در دوران قاجار این مکان نوسازی و بیشتر تزئین شده است. ناصرالدین شاه هم طلاکاری گنبد اصلی را نو و تازه می کند. در زمان پهلوی دوم هم متاسفانه درهای گوناگون مقبره نوسازی شده است. می گویند زیر گنبدی که معلوم نیست زیرش چه و که خوابیده ۱۱۸ کیلوگرم طلای ناب و بیش از ۱۰۰۰ کیلو نقره در درها و مقبره حسین به کار رفته.

کربلا داستانی دراز دارد از دروغ و نیرنگ و شارلاتانیسم آخوندهای شیعه ایرانی که دکانی ساختند برای زندگی یک عده شیاد مسلمان.

## سیاوش لشگری

### پاینده ایران که ما همه ایرانی هستیم

هم میهن نازنین و هوشیاری که هیچ گاه نژاد پرست نبوده و نیستی، هرگز نگو من فارسیم، من گُردم، من خوزستانی ام، من ..... ام. برای همبستگی ملی که تنها راه خوشبختی همه ما می باشد فقط بگو من ایرانی هستم. و هرگز نگو من آذری هستم، من مشهدی هستم، لر و ترکمن و بلوچ هستم، تهرانی و گیلانی و کرمانی می باشم فقط بگو من ایرانی هستم. چون ایران برتر از مشهد است، برتر از اراک و تبریز است. هیچ شهر و استان و مردمانی بر شهر و استان و مردمان دیگر برتری ندارد.

اگر کسی پرسید شما زاده کجای ایران هستید، آن هنگام بفرمایید مثلاً من در سنج به دنیا آمده ام یا در بابل، اصفهان، زنجان و هر جای دیگری از ایران که زاده شده اید. در غیر این صورت امروز ما فقط ایرانی هستیم گُرد و فارس و مازندرانی و شیرازی نیستیم. این را ملت های

به هر حال ما با وجود ممنوعیت، کم و بیش کتابهای مارکسیستی را پیدا می کردیم و میخواندیم و من دیدم چیزهایی که شریعتی میگوید خیلی هم به مارکسیسم ربطی ندارد و فقط شعار میدهد. بعدها برای من روشن شد که اصلاً داستان شریعتی چیست.

طرز فکر شریعتی یعنی شیعه ای که او تبلیغ میکرد، اسلام بدون فقها و بدون روحانیون بود. شاید صریح این را نمیگفت ولی این مضمون در حرفهایش بود. روشنفکران دینی ما که در ۲۵ سال اخیر به خصوص از جریان دوم خرداد به بعد سر برآورده اند، یعنی دکتر سروش و اعوان و انصارش، طرفدار شریعتی هستند و تقریباً همین حرف ها را می زنند. درحالی که بخش دنیوی اسلام که می تواند مدرن و برای زندگی امروزی ما کارساز باشد بخش فقه و حقوق اسلام است. اما روشنفکران دینی فقه را کاملاً کنار میگذارند. شریعتی از منظر مارکسیستی آن را رد میکرد چون معتقد بود فقها از این طریق سرمایه داری را توجیه میکنند. حالا روشنفکران دینی هم به صورت دیگری همان کار شریعتی را میکنند؛ مثلاً سروش معتقد است فقها انحصار قدرت سیاسی را به دست گرفته اند و از این منظر فقه را رد میکند و البته از شریعتی هم همیشه در کل دفاع کرده است.

## علی شریعتی تخریبگر تاریخ

اگر می خواهید بدانید علی شریعتی بانوغ تخریبگر و استعداد بی همانندی که در شیادی و در پشت هم اندازی داشته و با بهره وری از توانایی موروثی نقالی و روضه خوانی چگونه توانسته است برخی از مفاهیم و فرمول های مارکسیستی و تیرموندیستی (سارتری) را به نفع قرائتی منبری و عوام فریبانه از تاریخ دهه های نخستین اسلام در بیابانهای نجد و حجاز و کوفه و مدینه صادر کرده و از طریق سرقت دیدگاه ماتریالیسم تاریخی مارکس و لنین به یک ترکیب و التقاط شگفت انگیز ناهمساز و زمان پریش (آناکرونیک) و در عین حال مضحک از اسلام و کمونیسم دست بیابد و با اتکاء به عنوان جعلی دکتر جامعه شناس، چگونه خود را در مقام نظریه پرداز نوعی اسلامیسیم انقلابی رادیکال مبلغ و مروج شیوه های تروریستی آنارشیستی و مخرب به جامعه تحمیل کند و با افکاری سراپا ضد ایرانی و ملت ستیز و امت ساز و ضد مدرن پنهان شده در جامه ای عاریتی و وصله پینه دار با صبغه فرهنگ قبیله ای بادیه نشینان، در روزهای آغازین ظهور اسلام، چگونه توانسته خود را میان جوانان دهه های ۵۰ مطرح سازد و افکار ویرانگرانه اش را به جامعه تحمیل کند؟

اگر می خواهید بدانید که او با چه استعداد اعجاب آوری و با چه پشت هم اندازی ها و آسمان ریسمان بافی های تر دستانه و باچه خطبه خوانی ها

میهن دوست و هوشیار مراعات می کنند. امروز اگر از یک آمریکایی نپرسید زاده کدام شهر یا ایالت هستید هرگز نمی گوید من فلوریدایی یا تکزاسی هستم، مگر این که از او بپرسید کجا زاده شده ای، که خود این گونه سؤال هم در کشورهای غربی مرسوم نیست. از هر آمریکایی که کشورش پنجاه و یک استان دارد بپرسید کجایی هستید فوری می گوید آمریکایی هستم.

ایرانی بودن است که ما را به هم نزدیک و ایران را نیرومندتر می کند. ایرانی بودن ما است که افتخار دارد، نه تبریزی و تهرانی و همدانی بودن ما. فراموش نکنید آغاز تاریخ ایران معلوم نیست و تا چند هزار سال پیش هم ایرانی آذری، ایرانی بلوچ، ایرانی ترکمن، ایرانی کرد، ایرانی فارس، یا ایرانی قمی و اصفهانی نداشتیم، فقط ایرانی داشتیم و بس، همه زاده ایران... هر کسی شهر یا استان خودش را برتر از سایر شهرها و استان ها بداند فردی نژاد پرست و خود پرست است، او با تمامیت ارضی ایران و احترام به سایر ایرانیان مشکل جدی دارد. ما همه نخست ایرانی هستیم، دوم ایرانی هستیم و سوم هم ایرانی می باشیم. استان، شهر، محله و کوچه در برابر اهمیت ایران سنجش پذیر نیست. پاینده ایران و تک تک مردم نازنین ایران.

## شریعتی، تئوریسین سوسیالیسم اسلامی

### گفت وگو با موسی غنی نژاد

شریعتی آن زمان خیلی معروف بود. من در سال ۱۳۴۸ وارد دانشگاه تهران شدم، دکتر شریعتی سخنرانی های زیادی در سالهای ۱۳۴۹ و ۱۳۴۸ داشت. یک بار به یکی از جلسات سخنرانی او در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رفتم. قبلاً در حسینیه ارشاد هم سخنرانی هایش را شنیده بودم، اما اولین باری که احساس بدی نسبت به او پیدا کردم در آن سخنرانی دانشگاه تهران بود. دقیقاً به یاد دارم که او یک ساعت و نیم دیر رسید. در هوای گرم خرداد ماه سالن پر از جمعیت بود و حتی تعدادی از دانشجویان روی زمین نشسته بودند و همه از گرما کلافه بودند. دکتر شریعتی وقتی بعد از یک ساعت و نیم تاخیر وارد شد، اولین جمله ای که گفت این بود که علت تاخیر من ترافیک بود و بعد شروع کرد به بد و بیراه گفتن به شهرداری و ترافیک. درحالی که او از وضع ترافیک خبر داشت و باید زودتر راه می افتاد. اولین کاری که یک آدم متمدن در چنین شرایطی می کند، عذرخواهی است، اما او این کار را نکرد و این رفتار بر من اثر خیلی بدی گذاشت و توی ذوقم زد. بعد که به تدریج با نگاه شریعتی بیشتر آشنا شدم، دیدم او یک آدم شعاری است.

## عمو یادگار، خوابی یا بیدار؟

مانده از رویه ۱۲

ندارد. یادم می آید سال ها پیش شما خوب مجریان این برنامه را شناخته بودید و از آن ها انتقاد می کردید. چند روزی بود هفته پیش این ها اعصاب مرا خرد کردند. آن ها این برنامه را برای تیغ زدن مردم و کسبه به کار می برند، یکی از شگردهای آن ها اعلام راست و دروغ روز تولدهایشان است و تشویق قنادی ها برای فرستادن کیک تولد و یا آوردن غذا توسط خانم های خانه دار به رادیو است.

آقای حقه بازی دارند که هر روز می گوید خانم من آشپزخانه مان را تعطیل کرده و غذا نمی پزد، تا این را می گوید چند تا خانم ساده دل بیچاره از راه دور و نزدیک برایشان غذا می آورند و باور کنید این ها آبرو برای این رادیو و برنامه صبحگاهی باقی نگذاشته اند، دیروز جایی نام آن ها را بر دم متوجه شدم خیلی ها به ترفندهای آن ها آشنا بودند، یکی که گفت من به مدیر این رادیو زنگ زدم، مدیر هم که گویا از خوان نعمت تیغ زن های این برنامه بی نصیب نیست گفت چه اشکالی دارد، در قوانین FCC منعی برای کار آن ها وجود ندارد! با پاسخ این آقا فهمیدم که آب از سر چشمه آلوده است. یکی از این مرد رندهای ق... ق... با تعریف کتلت یکی از غذا آورندگان بقیه خانم ها را تشویق به آوردن کتلت می کند که ببینیم چه کسی بهترین کتلت را می پزد!

با چنین حقه بازی ها یخچال رادیو را هر روز با غذای شنوندگان و کیک های قنادی ها که رقیب همدیگرند پر می کنند و در رادیو بخور بخوری راه انداخته اند... صد رحمت به آخوندهای مال مردم خور! این مثلا برنامه سازها کوچکترین شخصیتی در وجودشان نیست. ازدست این چند نفر کامپیوتر را بگیرید معلوم می شود چقدر بی سواد هستند. یکی از مدعیان آن ها که فقط از خودش تعریف می کند یک شعر یا نوشته ای در کتاب را تا بحال درست نخوانده است. اگر اخبار این رادیو نبود که بهترین برنامه آن ها است هیچ کس به این رادیو گوش نمی داد.

**مشترکین ارجمند، اشتراک بیداری را لطفاً بفرستید.**

**858-320-0013**

**bidari2@hotmail.com**

← وقصه پردازی های عامیانه و جذاب خاص روضه خوان های شیعه میراث خوار صفوی ها و قاجارها توانسته است تاریخ نیمه واقعی نیمه اسطوره ای و هنوز ناشناخته ویرابهام چهارده قرن پیش اعراب بادیه نشین را از فیلتر نظری ماتریالیسم تاریخی عبور داده و چگونه توانسته است نظریه امت و امامتش را برای وقوع یک انقلاب لنینی حسینی تدوین کند و زمینه را برای سپرده شدن سرنوشت ملت ایران به فسیل های شوم بازمانده از از غار اصحاب کهف یعنی ملاها و فقهای عهددقیانوسی شیعه فراهم آورد، و ایران را برای پنجاه سال در آتش و خون و ترور و وحشت داعشی شیعه غرق کند؟

چنانچه مایلید بسیار دقیق از چند و چون این مسخ نظری و جادوگری مبتنی بر خیالبافی بی حد و مرز برای قالب ریزی شیعه اثنی عشری در دستگاه فکری ماتریالیسم تاریخی اطلاع به دست آورید، کتاب دشمنان آزادی (علی شریعتی چه می گوید؟) را ازدست ندهید این کتاب جالب و آموزنده با موشکافی منتقدانه از سوی آقای پرویز دستمالچی نوشته و از سوی نشر گردون (برلین) انتشار یافته است!

## ما همه مقصر و مسئول هستیم

آیا ما کشور را ترک کردیم که بگوییم گور پدر مملکت؟ گور پدر مردم؟ نه گمانم. ما ایرانی ها این قدر هم ناسپاس به میهن خود نیستیم و تا این اندازه هم بی معرفت و ناجوانمرد نسبت به هم میهنان گرفتار خود نمی باشیم که بگوییم حالا که من توانستم کشورم را ترک کنم و خیلی ها نتوانستند، گور پدر بقیه. ما در بیرون از کشور فرصت و آزادی داشتیم که در حد توان خود برای آزادی آن مردم که هم خون و دوست و فامیل و هم لهجه و هم شهری و هم محلی و یا هم کلاسی بودیم گام کوچکی برداریم. اگر شما برداشتید درود پهلوانان جهان بر شما باد ولی اگر برنداشتید و همه اش به فکر رفاه بیشتر خود و درآمد بیشتر و زندگی بهتر خودتان بودید، تاریخ و وجدان به شما چه نامی باید بدهد.

هم میهن بی تفاوت و بی خیال من که هیچ کاری برای میهن به خاک سیاه افتاده ات نمی کنی و گامی برای آزادی او بر نمی دارد. اگر بخت یارت نمی شد و مانند میلیون ها ایرانی دیگر نمی توانستی کشور را ترک کنی و امروز و هنوز زیر شلاق و توهین نظام و در رنج گرانی کمرشکن بودی در دلت به ایرانیان گریخته از این اوضاع چه می گفتی و از آن ها چه توقعی داشتی منصف باش و بگو هشتاد میلیون ایرانی زندانی شده امروز تنها امید باقی مانده آن ها به همت و شرف و بزرگی هم میهنان آزاد شده خود زنده هستند که از هیچ سو دیگر امیدی در دلشان باقی نمانده.

هم میهن انسان و باشرف، بی تفاوت نباش، کاری بکن.

## محمد جواد اکبرین اسلام شناس

### عدو شود سبب خیر

تقدیم به محضر پاک تمام آنانی که در ماه دیدندش . . . x عدو شود سبب خیر، . . . . . اگر هیتلر نبود، آنکلا مرکل، صدر اعظم دوست داشتنی آلمان نمی شد . . در جهان، چه بسا بسیار اتفاق افتاده که دیوانگان تاریخ ساز شده اند. در طول تاریخ، زیاد داشته ایم. همان طور که شاه ایران، نابغه ی سیاسی و وطن پرست قرن بوده، خمینی هم بزرگ ترین پدیده ی بیداری قرن شد. اگر چه دیر آمد، اما با زنگ بیداری آمد. پیرمردی به اسم خمینی، بزرگ ترین چراغ های روشن فکری را نه تنها در ایران و خاور میانه، بلکه در جهان روشن نمود،

خمینی به تنهایی توانست نه فقط تمامیت اسلام را زیر سوال ببرد، بلکه فاتحه ی تمام ادیان را هم بخواند

وی با نهضت خود، آن چنان بیداری ای در جهان به وجود آورد که امروزه کم تر کسی را می توان پیدا نمود که دین گریز نشده باشد.

وی به تنهایی موفق شد تمام دست آوردهای اسلام ۱۴۰۰ ساله را نابود کند و رنسانسی ملی - مذهبی را پایه گذاری نماید

بلوای ۱۳۵۷ یک نعمت بزرگ تاریخی برای مردم ایران بود، اگر چه با ویرانی مملکت ایران مواجه شد، اما بنیان مذاهب را از بیخ، کند و یک تنه ترمیناتور ادیان بود. کارهای وی، به تنهایی، به ایجاد یک روشن گری تاریخی و گریز از بن بست جهالت دینی منجر شد.

خمینی برای کشور ما یک ضرورت تاریخی محض، به معنای فلسفی آن، بود. فلسفی، از این رو که به توده ی مردم یاد داد برای هر چیزی در پی منطق و استدلال آن باشند.

خمینی به فاکتوری تبدیل شد که مردم را به تفکر و پرسش واداشت. از این رو ترجیح دادند قران را فقط با صوت زیبا و فریبای عبدالباسط گوش نکنند و کمی هم به معانی فارسی آیات بپردازند. این شد که تازه فهمیدند دین اسلام بیشتر دین قتال، جنگ، غنیمت، اسیر، جزیه، سر و دست بریدن، قصاص، کتک زدن زنان و مجوز تجاوز به انسان های مظلومی به نام کنیز است. فهمیدند شهوت رانی، حتی با دختران شیرخواره، قصه هایی کودکانه نبوده، بلکه واقعیت های غیر قابل انکار از دین مبین اسلام عربی و محمدی است.

اگر رژیم قبلی ادامه داشت، بسیاری از جوانان ما، هنوز با نهایت اخلاص، منتظر اعتکاف ماه رجب و نوحه خوانی های محرم بودند؛ در حالی که امروز این مراسم مذهبی، وسیله ی تفریح و سرگرمی آن ها شده و بیش از ۹۰ درصد مردم ایران، از این مراسم و جریانات

گریزان شده اند.

خمینی، کمکی بزرگ به آگاهی مردم ایران و جهان کرد تا چهره ی عریان و واقعی اسلام، در بهترین شکل ممکن، بر همگان آشکار شود.

خمینی، یک نعمت بی مثال بود، که به مردم آموخت هر گنبد و بارگاهی را قدسی نپندارند. خمینی، یک صفحه از تاریخ ایران بود، اما کتابی قطور شد برای شناخت جهان بینی اسلامی، دموکراسی دینی، آزادی بیان، و هم چنین اقتصاد اسلامی؛ که طبق فرمایش ایشان، مال خر بود.

او ایران را زمانی دردست گرفت که پول ایران، یعنی ریال، جزء پنج ارز رایج و قابل معامله در بازار جهانی بود. حال آن که خود پهلوی، این پول را نه از درون چاه، بلکه از اقتصادی مفلوک، به نام لجن زار قاجار، تحویل گرفته بود . . . !؟

تا آن جا که برای ایرانیان، تنها با دردست داشتن پاسپورت شیر و خورشید نشان، بدون نیاز به ویزا، سفر به بسیاری کشورها (منهای چند کشور کمونیستی)، ممکن بود. اینک، ریال اولین پول بی ارزش دنیا و برابر با کاغذ توالست است.

پهلوی، صنعت خوروسازی را به ایران آورد و یک خودرو خانوادگی "سیتروئن" را به قیمت کم تر از ۳ هزار تومان، در اختیار عموم مردم قرار داد. حال آن که در سال ۱۴۰۰، با گذشت فقط چهل سال، با پولی که آن زمان، می توانستی یک خودرو خریداری کنی، فقط می توانی یک لیتر بنزین معمولی بخری. وجود خمینی، برکتی بود برای مردم نادانی که در ماه دیدندش و برای کسانی که شعار "روح منی خمینی" سردادند، اما در واقع فاجعه ای بود برای بقیه، و لکه ی ننگی بردامن بشریت.

خمینی، مفهوم "نه شرقی، نه غربی"، مفهوم شعار "استقلال، آزادی" بود و درک معجونی به اسم "جمهوری اسلامی". خمینی، تفسیر رأفت اسلامی بود. خمینی، اگر چه برای ایرانیان، و بخشی از جهان، طناب دار بود، اما به شلاقی برای روشن گری تبدیل شد.

خمینی، برای فرزندان و نسل های بعدی ایران چراغی پرفروغ روشن کرد، که بزرگ ترین اندیشمندان ایران نتوانستند همانندش باشند. خمینی، به تنهایی، به ده ها هزار کتاب نانوشته پیرامون روشن فکری و روشن بینی تبدیل شد!

مردم ایران با آن اعتقادات مذهبی، تا اختلاس ها و کاپیتولاسیون آخوندی و رانت های اسلامی را به چشم نمی دیدند؛ باور کردن این معجون های اسلامی برایشان سخت بود. باور پذیری خمینی، گرهی کور بود، که به دست خودش باز شد. من، خوش حالم، زیرا چه بخواهیم و چه نخواهیم، فرزندان ما در چند سال آینده، دنیایی بدون تفکرات خمینی ایسم و اسلامی تجربه خواهند نمود. نمی شود در حالی که در صحرای کربلا سرگردانیم، خواستار مدرنیته باشیم. ما، بین تفکر سنتی و مدرنیته، گرفتاریم.

# بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

هاشم مدیری

## عمو یادگار، خوابی یا بیدار؟

آقای بیداری شما قدیم ترها انتقادهای جالبی از این رادیوی لس آنجلسی می کردید، که یا دیگر به آن هاگوش نمی دهید و یا خسته شدید از بس نوشتید. من در سن حوزه زندگی می کنم اینجا وسائل سرگرمی مانند لس آنجلس نداریم و گوش دادن به رادیو برنامه ما سالمندان است. صبح کله سحر با آن شروع می کنیم تا ظهر، عصر هم که اخبار است و می خواهیم بفهمیم اوضاع جنگ به کجا رسیده. برنامه های صبحگاهی این رادیو که از ساعت ۶ صبح شروع می شود و ساعت ۹ به پایان می رسد یکی از بی محتواترین و بازاری ترین برنامه های این رادیو است که به من معلم جز زجر نمی دهد. بدبختانه بهترین ساعت فراغت ما را هم که تا ساعت ۸ در رختخواب می شنویم و ساعت آخرش را هم در همان حال که صبحانه می خوریم و برنامه دیگری نداریم به ناچار گوش می دهیم. چون خانم بنده از مشتریان پر و پا قرص برنامه های این رادیو است و خوب و بد برنامه برایش فرقی ندارد.

مانده در رویه ۱۰

به راستی اگر خدایی چنین جهان  
آشفته ای را با فقر و جنگ و بیماری  
و جنون ظالمان و ناتوانی  
مظلومان آفریده و همه را به راه  
خود رها کرده باید پاسخگو باشد، نه  
این که باید چنین خدای بی لیاقتی  
را پرستش هم کرد.

در جهان خدای بی مسئولیت هیچ  
تفاسی در کار نیست. خمینی چه  
تفاسی پس داد؟

مشترکین ارجمند، اشتراک بیداری را لطفاً بفرستید.

**858-320-0013**

**bidari2@hotmail.com**

Prst Std  
U.S. Postage  
Paid  
San Diego, CA  
Permit No. 2129

**BIDARI**  
P.O. Box 22777  
San Diego CA 92192  
U.S.A.